

# SID



سرویس های  
ویژه



سرویس ترجمه  
تخصصی



کارگاه های  
آموزشی



بلاگ  
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری  
STES



فیلم های  
آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

کارگاه آنلاین  
بررسی مقابله ای متون (مقدماتی)

کارگاه آنلاین  
پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو

## رهیافت همکارانه در برنامه‌ریزی شهری

لیلا علی آبادی<sup>۱</sup>، زهرا عسگری<sup>۲</sup>

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران

1. aliabadi96@yahoo.com

2.zahra\_sgr@yahoo.com

### چکیده:

وجود و تداوم نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی و شکست سازوکار شیوه‌های رایج برنامه‌ریزی در گشودن مشکلات شهری موجب شد برای اولین بار در دهه ۱۹۶۰ میلادی، این اندیشه که حرفه‌مندان براساس منافع عامه عمل می‌کردند مورد چالش واقع شود. در پی چنین تحولی، اجماع سیاسی در مورد نقش متخصصان درهم شکسته‌شد و نارضایتی گسترده‌ای به دو دلیل ایجاد شد: نخست، عدم دستیابی به توافق در تصمیم‌سازی در حکومت؛ دوم، روش‌های توزیع منافع. اندیشه‌هایی که در پی انتقاد از کاستی‌های برنامه‌ریزی سنتی و توجه به ابعادی و رای ابعاد کالبدی برنامه‌ریزی ظهور یافتند، در مسیر پیشرفت خود، به تشکیل یک سیر نظری منجر شدند که فرآورده آن تبیین چارچوب رهیافت برنامه‌ریزی همکارانه بود.

روش مورد استفاده در این پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و هدف از انجام آن، بررسی سیر تحول رهیافت‌های برنامه‌ریزی در جهت حرکت به سوی رهیافت همکارانه، تبیین چارچوب مفهومی، اصول و فرایند برنامه‌ریزی همکارانه و معرفی آن به عنوان جایگزین رهیافت‌های رایج در برنامه‌ریزی است.

براساس نتایج حاصل، برای تحقق اهداف مذکور، برنامه‌ریزان باید علاوه بر فنون متداول برنامه‌ریزی شهری، روش‌های ارتباطی را فراگرفته و گروه‌های ذی‌نفع نیز نیازمند برخورداری از دانش ارتباطی هستند. در این میان، ارزش‌ها و احساسات نیز از اهمیت خاصی برخوردار بوده و همراه استدلال‌ات فنی برنامه‌ریزان مورد استفاده قرار می‌گیرند.

**کلمات کلیدی:** رهیافت‌های نوین برنامه‌ریزی، برنامه‌ریزی همکارانه، عقلانیت ارتباطی، مشارکت عمومی.

۱. نویسنده مسئول: شماره تماس: ۰۹۳۶۴۴۳۲۷۵۱ آدرس: بجنورد خ ۳۲ متری شهدا ک شهیدکریمی ۲ فرعی اول پ ۱۷

## **Application of collaborative approach in urban planning**

### **Abstract:**

In 1960s, the social-economic inequities, and the failure of common methods and mechanisms of planning for dissolving urban problems, led to challenges with the idea of considering public benefits. In order to this change, political concerns about the role of urban planners increased. Dissatisfaction with planners was caused by two reasons: first, the lack of agreements in decision-making with government, second, the methods of distribution of benefits. Attitudes toward criticism of the traditional planning and beyond the physical aspect of the planning, resulted in developing theories which was directed into collaborative planning approach.

According to achieve community-beneficial goals, this research is investigating the evolution of planning approach towards cooperative approach, explaining the conceptual framework principals, process of collaborative planning and introducing collaborative planning as an alternative for the conventional approach in urban planning.

Based on results, it is suggested that communication techniques should be considered in planning process. The community values and feelings are vital and required with technical rational planner methods.

**Keywords:** modern approaches in planning, collaborative planning, communicative rationality, public participation

## ۱. کلیات

### ۱.۱. مقدمه

نیازها و خواسته‌های افراد و گروه‌ها و ساکنین نواحی مختلف در جامعه یکسان نیست همان طور که نیازهای افراد در جوامع مختلف با پیش زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و ... مختلف نیز متفاوت می‌باشد. یعنی ما بین نیازها و خواسته‌های افرادی که در یک جامعه کنار هم زندگی می‌کنند - چه در یک مقطع زمانی و چه در طول یک دوره زمانی - مطابقت وجود ندارد؛ آنچه مطابق میل یک دسته است، ممکن است مطابق میل دسته دیگر نباشد.

حل این تنش‌ها همواره در دستور کار برنامه‌ریزی شهری بوده است. یکی از شیوه‌های رایج ساز و کار برنامه‌ریزی شهری در برخورد با این تضادها و تنش‌ها استفاده از سیستم سلسله مراتبی از بالا به پایین است و همین امر خود باعث به وجود آمدن مشکلاتی شده است و موجب شده است که برنامه ریزان به سوی ساز و کاری حرکت کنند که نه فقط عوامل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... را در نظر بگیرد بلکه ویژگی‌ها و ظرفیت لازم را برای رویارویی با کشمکش‌های گروه‌های درگیر داشته باشد. در نتیجه رهیافتی به نام رهیافت همکارانه در برنامه‌ریزی مطرح شده است که امکان میانجی‌گیری بین گروه‌های مختلف را با استفاده از برقراری ارتباط و همکاری بین آنها فراهم می‌کند.

### ۲.۱. طرح مساله

تقریباً تا اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی، رهیافت برنامه‌ریزی عقلانی (فنی - ابزاری) در برنامه‌ریزی رایج بود که بر اساس آن، برنامه‌ریزی عمدتاً با استفاده از دانش تخصصی برنامه ریزان و ابزارها و روش‌های علمی صورت می‌گرفت. در این کمتر به علایق و خواسته‌های مردم و منابع و امکانات جامعه مورد برنامه‌ریزی توجه می‌شد. ناکارآمدی این رهیافت از دهه ۱۹۸۰ به بعد به تدریج آشکار شد و از طرف اندیشمندان چون هابرماس مورد انتقاد قرار گرفت. می‌توان گفت یکی از مشکلات اساسی این نوع برنامه‌ریزی عدم تمایل برنامه ریزان به مشارکت جدی مردم در تمام مراحل برنامه‌ریزی بوده است. به همین دلیل برنامه‌ریزی همکارانه که مفاهیمی چون مشارکت، تعامل و همه جانبه نگری را در بطن خود دارد در برنامه‌ریزی مطرح شد.

### ۳.۱. هدف

هدف از برنامه‌ریزی همکارانه انجام برنامه‌ریزی اصولی است که تلاش می‌کند تمام گروه‌های درگیر در جامعه را شامل شود، میان آنها تعامل و ارتباط برقرار سازد و با داشتن نگرش محلی منجر به حرکت از پایین جامعه، انتقال تجربیات، و مشارکت موثر گردد. چنین برنامه‌ریزی از طرفی نیازمند توجه به خواسته‌ها و نیازهای افراد و جامعه و استفاده از فرصت‌ها، امکانات و مهارت‌های موجود در اجتماعات محلی، و از طرف دیگر استفاده از تخصص برنامه ریزان و همچنین استفاده از روش‌ها و فنون و ابزاری است که بتواند بین برنامه ریز و جامعه محلی مورد برنامه‌ریزی تعامل ایجاد کند. بهترین نوع این رهیافت، برنامه‌ریزی همکارانه است که درصدد تحقق تمامی مواردی که در بالا گفته شد تلاش می‌کند. لذا هدف از این پژوهش معرفی رهیافت همکارانه در برنامه‌ریزی به عنوان جایگزین رهیافت‌های

رایج، مشخص کردن چارچوب مفهومی، اصول و فرایند برنامه‌ریزی همکارانه و همچنین بررسی سیر تحول رهیافتهای برنامه‌ریزی در جهت حرکت به سوی رهیافت همکارانه در برنامه‌ریزی است.

## ۲. پیشینه برنامه‌ریزی همکارانه

ایده برنامه‌ریزی همکارانه پذیرش گسترده‌ای را در میان محققان و دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی به دست آورده است. تاور جونز و آلمندیگر گواهی می‌دهند که برنامه‌ریزی همکارانه / همکارانه (عده‌ای از نظریه پردازان برنامه‌ریزی این دورهیافت را برابر دانسته‌اند) از 'استقبال' علاقه‌مندان برخوردار بوده است. اینز و بوهر<sup>۱</sup> مشاهده کردند که برنامه‌ریزی همکارانه در حال حرکت به جلو و گسترش به عنوان یک روش است، واینز حتی بیان "پارادایم در حال ظهور"<sup>۲</sup> را در سال (۱۹۹۵) برای توصیف نقش برنامه‌ریزی همکارانه در نظریه برنامه‌ریزی انتخاب کرد. شناسایی نویسنده‌ای خاص که این اصطلاح را ابداع کرده است ممکن نیست. در عوض، به نظر می‌رسد از بحث‌های قبلی به خوبی به‌نگام بودن و اثربخشی حالت‌های مختلف برنامه‌ریزی‌های در اواخر قرن ۲۰ استنتاج شده باشد. با این حال، بین آن دسته از نویسندگانی که به اصلاح و مورد پسند عامه قرار گرفتن مفهوم کمک کرده‌اند در آمریکا پژوهشگرانی مانند اینز، بوهر، فراستر<sup>۳</sup>، فریدمن<sup>۴</sup>، هوچ<sup>۵</sup>، فیشر<sup>۶</sup>، و در اروپا، البرتز<sup>۷</sup>، سینگدو<sup>۸</sup>، هاجر<sup>۹</sup>، داود<sup>۱۰</sup>، مولارت<sup>۱۱</sup> و شاید برجسته‌ترین آنها، هیلی<sup>۱۲</sup> هستند.

## ۳. چارچوب نظری برنامه‌ریزی همکارانه

تصمیم‌گیری در فرایند همکارانه- که برخی آن را با برنامه‌ریزی همکارانه یکی دانسته‌اند- نیاز به یک فرایند تصمیم‌گیری مشترک دارد که معمولاً از طریق گروهی از سهام‌داران برای به اشتراک گذاشتن اطلاعات و وفاق جمعی تهیه می‌شود. شرکت‌کنندگان در این فرایند معمولاً با مردم دارای منافع خاص یا با سهام‌داران مشارکت می‌کنند. این سهام‌داران ممکن است شامل نمایندگانی از دولت، گروه‌های ذی‌نفع و بخش عمده‌ای از جامعه باشند. علاوه بر سهام‌داران عموم مردم نیز به دلیل منافعشان مشارکت می‌کنند، گرچه این منافع ممکن است به خوبی تعریف نشده باشد. (دانشپور، ۱۳۹۰: ۷۹)

<sup>1</sup> Innes and Booher

<sup>2</sup> emerging paradigm

<sup>3</sup> Forester

<sup>4</sup> Friedman

<sup>5</sup> Hoch

<sup>6</sup> Fischer

<sup>7</sup> Albrechts

<sup>8</sup> Swyngedouw

<sup>9</sup> Hajer

<sup>10</sup> Davoudi

<sup>11</sup> Moulaert

<sup>12</sup> Healey

به نظر می‌رسد برنامه‌ریزی همکارانه<sup>۱</sup> به عنوان یک رهیافت فراگیر گفت و شنودی است که می‌تواند برای شکل دادن به فضای اجتماعی با ویژگی‌های خاصی از جامعه معاصر به توافق برسد. این رهیافت حکومت را به حالت‌های جدیدی تغییر داده و نیاز به درگیرکردن ذینفعان چندگانه را به رسمیت می‌شناسد؛ و برتری نئولیبرالیسم<sup>۲</sup> که برخی کمتر آن را در زمینه خصوصی سازی حوزه عمومی می‌بینند، به عنوان از بین برنده اختلافات دیرین میان دولت و بازار برای تطبیق با مشارکت مربوط به همکاری‌های جدید مطرح می‌کند؛ با این حال، بر خلاف این عوامل که به نظر می‌رسند به ایجاد زمینه جدیدی برای تصمیم‌گیری همکارانه کمک کنند، تنش‌ها را در دو سطح خاص و جهانی در بحث‌های حمایتی آشکار می‌سازد. در سطح جهانی، تناقض آشکاری در ترویج ریشه‌های عمل همکارانه در ارزش‌های منسجم وجود دارد، توجه به اجتماعات خرد در جهان، می‌تواند به عنوان فردگرایی بیشتر، اجتماع پراکنده، رقابتی، و یا به عبارت دیگر غیر همکارانه به نظر برسد. برخی به برنامه‌ریزی همکارانه به عنوان "مسیری مهم برای نظریه برنامه‌ریزی با پتانسیل قابل توجهی برای عمل" می‌نگرند. البته باید توجه نمود که آیا این نظریه در برنامه‌ریزی صرفاً نظریه‌ای توصیفی است که امکان پیش بینی در آن وجود ندارد یا یک چارچوب اصولی طراحی شده برای توصیف و راهنمای عمل است. (Brand, 2007: 3)

### ۱.۳. تعریف برنامه‌ریزی همکارانه

- برنامه‌ریزی همکارانه به معنای فرایندی است برای دستیابی به اهدافی که توسط یک نمایندگی به تنهایی قابل دست یافتن نیستند.

- برنامه‌ریزی همکارانه شامل تعامل در قالب یک همکاری در سراسر ساختمان اجماع، توسعه برنامه و اجرا است. این نوع از برنامه‌ریزی فرایندی گروهی در طولانی مدت است که در آن گروه‌ها با یکدیگر برای فراهم کردن قوانین، سیاست‌ها، برنامه‌ها، اصول نظارتی و راهبردهای اجرا تلاش می‌کنند. (Margeru, 2002: 8)

- شاید بهترین روش تعریف برنامه‌ریزی همکارانه تعریف از طریق یک فرایند قیاسی باشد. لذا می‌توان برنامه‌ریزی همکارانه را تعریف چارچوبی برای همکاری نامید که از آن به عنوان مکان سازی یاد می‌شود. در واقع این رهیافت در جامعه مورد برنامه‌ریزی برای همکاری و ارتباط متقابل ظرفیت سازی می‌کند. برنامه‌ریزی همکارانه با ایده‌های سازماندهی فضا، پروژه‌های راهبردی و همکاری سرو کار دارد. (دهقان، ۱۳۸۷: ۴۳)

- برنامه‌ریزی همکارانه (که به باور برخی با برنامه‌ریزی همکارانه<sup>۳</sup> یکسان است) پایه نظریه برنامه‌ریزی در دوران دوران اخیر (از دهه ۱۹۹۰ میلادی) است و می‌توان نقش آن را به صورت زیر بیان نمود:

- حرکت از رفتارهای فردباورانه دهه ۱۹۸۰ میلادی به سوی رفتارهای اجتماعی دهه ۱۹۹۰ میلادی
- تاکید بر فرایندهای از پایین به بالا و نیز در سطح محلی
- نیاز به پرکردن فضای خالی دوران برنامه‌ریزی عقلانی - جامع (دانشپور، ۱۳۹۰: ۴۱۱)

<sup>1</sup> Collaborative planning

<sup>2</sup> Neo-liberalism

<sup>3</sup> Communicative planning

- برنامه‌ریزی همکارانه یک توده یکپارچه از مجموعه بدیهیات است. در حالی که برخی آن را به عنوان نوعی از نظریه برنامه‌ریزی که شامل یک مخلوط ناهمگن و پویا از گونه‌های خاص نظریه برنامه‌ریزی است توصیف می‌کنند، دیگران به نظر می‌رسد با آن به عنوان یک گونه خاص بزرگتر، از نظریه برنامه‌ریزی همکارانه رفتار می‌کنند. در بین گروه دوم تئودر جونز<sup>۱</sup> و المندیگر<sup>۲</sup> (2002) کسانی هستند که آن را به عنوان تجسم هیل<sup>۳</sup> از برنامه‌ریزی همکارانه در کنار برنامه‌ریزی منطقی (فیشر و فراستر)، برنامه‌ریزی مشورتی (فراستر) و تغییرات متأثر از نو عمل‌گرایی (هارپر و استین<sup>۴</sup>)، نظریه انتقادی<sup>۵</sup> (فراستر)، و عمل برنامه‌ریزی (هوچ) در نظر می‌گیرند. (Brand, 2007: 3)

- هیل<sup>۶</sup> (۱۹۹۷) از عبارت برنامه‌ریزی همکارانه برای توصیف فرآیندی استفاده می‌کند که در آن مشارکت کنندگان در فعالیتی که بیان‌کننده بهره‌های متقابل<sup>۶</sup> آنهاست، به موافقت و اجماع دست می‌یابند. بر ضد رهیافت اقتصاد سیاسی<sup>۷</sup> این رهیافت معتقد بر این است که مردم بهره‌های ثابت و قطعی ندارند؛ به عبارتی، یک وضعیت ساختاری مشخص (مثال: سرمایه داری)، خود به خود یک وضعیت سیاسی مشخص (مثال: مقررات زدایی) ایجاد نمی‌کند. بحث می‌تواند سرمایه داران را هدایت کند به فهمیدن این که آنها چگونه می‌توانستند از مقررات محیطی منتفع شوند؛ زمانی که برای محدود کردن آزادی شان، به صورت واکنشی مخالفت می‌کردند. تفاوت‌های برجسته بین رویکردهای مختلف نشان می‌دهد تا چه اندازه، تفسیر بهره توسط گروه‌ها در وضعیت‌های سیاسی مشابه می‌تواند تغییر کند. با این حال، ادراک متفاوت از بهره، توسط آنها که در موقعیت‌های سیاسی متفاوت حمایت می‌شوند؛ به سادگی از طریق تبادل افکار رفع نمی‌شود. اگر رهبران کسب و کار ادراک متفاوت از بهره داشته باشند، اندیشه‌ها به تنهایی، قادر به برقراری تعامل بین آنها نیست.

اگر هم ادراک‌ها از بهره و سود توسط کلام تحریف شده باشد، دچار جانبداری یک طرفه یا گمراهی می‌شوند و اگر ساختارها به صورت اجتماعی ساخته شده باشند، تغییر کلام به تنهایی باعث دگرگون شدن ساختارها نمی‌شود. یک مرحله بینابینی مورد نیاز خواهد بود. آرمانها می‌تواند موجب جنبش‌های اجتماعی شود که یکی پس از دیگری آگاهی را تغییر دهد، اما این موضوع بیشتر از یک امر مذاکره‌ای و ساختن توافق عامه در بین ذی‌نفعان است. در مورد نو-لیبرالیسم<sup>۸</sup>، ناخشنودی بین بخش‌های بانفوذ از جمعیت به یک نیروی اجتماعی تبدیل شد، زمانی که توسط مجموعه‌ای از آرمانهایی که به نظر می‌رسید یک دلیل برای احساس نارضایتی تعریف می‌کنند؛ بسیج شدند. آگاهی برانگیخته شده‌ای که آرمانها را در کاربست قرار می‌دهد، در برگیرنده رهبری و بسیج نمودن قدرت است، مردم به سادگی، متفقاً، استدلال نمی‌کنند. (Fanstein, 2000: 8)

<sup>1</sup> Tewdwr-Jones

<sup>2</sup> Allmendinger

<sup>3</sup> Healeyan

<sup>4</sup> Harper and Stein

<sup>5</sup> critical theory

<sup>6</sup> mutual interests

<sup>7</sup> political economy approach

<sup>8</sup> neoliberalism

### ۲.۳. ماهیت برنامه‌ریزی همکارانه (هستی‌شناسی)<sup>۱</sup>

برنامه‌ریزی همکارانه بر پایه درک رابطه از فضا است که در آن حرکت در جهت X نسبت به Y می‌تواند از کیفیتی کاملاً متفاوت برخوردار باشد و کاملاً متفاوت تجربه شود. به عبارت دیگر، واقعیت‌های فضایی نمی‌تواند هندسه را بدون از دست دادن پیچیدگی‌های غنی و حیاتی از زندگی واقعی کاهش دهد. افکار مشابه درک برنامه‌ریزان همکارانه را از زمان به عنوان چیزی پیچیده تر از یک دنباله خطی از ثانیه‌ها هدایت می‌کنند.

برنامه‌ریزان همکارانه برخی از مفروضات اساسی درباره ماهیت انسان را به اشتراک گذاشتند. برخی از نویسندگان در این زمینه بارها به مفهوم "سیستم‌های انطباقی پیچیده" اشاره کرده‌اند. چنین سیستم‌هایی شامل تک عناصری پیچیده و فاقد قطعیت، و اغلب در مرز هرج و مرج، اما با قابلیت‌های خود سازماندهی توصیف شده‌اند. کسانی که در این فرض سهیم‌اند بدیهی است با این ایده که "ماهیت" جهان است و اساساً دستگاهی با ساختاری منظم است مخالفتند. فرض آن چیزی است که برنامه‌ریزان همکارانه با آن موافقت می‌توان گفت که ماندن در هستی‌شناسی مدرن با تقلیل‌نوگرایی و عملگرایی باطل می‌شود. (Brand, 2007: 3)

### ۳.۳. شناخت‌شناسی<sup>۲</sup>

فرض بر این است که رسیدن به حقیقت مستلزم رویکرد متفاوتی از درک جهان است از این فرض که همه چیز اجتماعی ساخته شده باشد. برنامه‌ریزان همکارانه در حال تلاش برای معرفت‌شناسی و متفاوت فکر کردن هستند، آنها می‌توانند نگرانی‌های عمل‌گرایان را به سمت نوع جدیدی از دانش مفهومی و معنادار هدایت کنند.

نمونه سوالات برنامه‌ریزی همکارانه موارد زیر را در بر خواهد داشت: روابط قدرت‌های درگیر در یک موضوع خاص چیست؟ برندگان و بازندگان بالقوه چه کسانی هستند؟ چگونه می‌توان وضعیت حاکم را تحت تاثیر قرار داد؟ یکی دیگر از موضوعات معرفت‌شناختی این گونه مطرح می‌کند که لازم است که همه انواع دانش به حساب آورده شوند. بنابراین، برنامه‌ریزان همکارانه بر نیاز به تسهیل کردن بیان چنین دانش تجربی تاکید می‌کنند، تاکید بر این که هیچ چیز ممتازی وجود ندارد، دقیقاً "عقلانیت" وجود دارد [و] تمام... اشکال مختلف باید در مورد آن آموخته شود و به آن احترام گذاشته شود. (همان)

### ۴.۳. اصول برنامه‌ریزی همکارانه

رویکرد یا رهیافت همکارانه با نظریه "عمل همکارانه"<sup>۳</sup> هابرماس<sup>۴</sup> در آغاز دهه ۱۹۸۰ میلادی شروع شد که بر دفاع از پروژه روشنگری بالقوه آزادی بخش بحث عقلانیت متمرکز شده بود، بین شهروندان آزادی که درگیر بحث مشارکت شده و به عنوان یک نقد پست مدرنیته، از توانایی بازیگران با پیش زمینه‌های فرهنگی متفاوت تا فراتر از

<sup>1</sup> Ontology

<sup>2</sup> Epistemology

<sup>3</sup> Communicative action

<sup>4</sup> Habermas



تنوع درک یکدیگر به اجماع برسند. عمل (کنش) همکارانه به سمت اجبار به درک متقابل و توافق از طریق فرایند دموکراتیک که همبستگی اجتماعی را می‌سازد جهت گیری می‌کند.

بر اساس نظریات هابرماس برای این که یک فرایند باز و مشارکتی باشد باید به وسیله پنج اصل زیر هدایت شود:

۱. بحث باید عمومی باشد، بحث از هیچ حزب یا گروه خارج از آن تاثیر نگیرد
۲. تمام گروه‌ها باید فعالان مستقل با توانایی ارائه ادعاها و انتقاد از ادعاهای دیگران به صورت برابر باشند.
۳. مهمتر از همه این که همه گروه‌ها و مشارکت کنندگان باید قادر به همفکری و موافقت با یکدیگر باشند. کسانی که می‌توانند یک تصمیم از دیدگاه دیگری ببینند و مورد بررسی قرار دهند برای احترام به حقوق و نیازهای همه افراد محتمل ترند.
۴. روابط قدرت بین مباحثه کنندگان نباید به صورت مخالف بر نتایج بحث تاثیر بگذارد.
۵. در نهایت همه شرکت کنندگان باید آشکارا و صادقانه گفت و گو کنند و از داشته برنامه‌های مخفی و یا همکاری با مخالفان بپرهیزند.

بر اساس این موضع اصولی شرکت کنندگان در ساختارهای حکومت همکارانه وظیفه دارند یک فضای ادراکی مشترک برای احترام گذاشتن به حقوق همه افراد ایجاد کنند. آنها باید متعهد شوند که گوش کنند، درک کنند و برای همیشه به راههای گوناگونی که توسط گروه‌های فرهنگی مختلف برای ساختن جهان خودشان و مفاهیم و ارزش‌های آن ایجاد شده است احترام بگذارند.

برای صحبت محترمانه و گوش دادن به اختلافات، شرکت کنندگان باید امیدها، رویاها و ترس‌های دیگران را درک کنند. آنان باید درک مشترکی از مشکلات را توسعه دهند و راهبرد فراگیری که نه به صورت افراطی بلکه به صورت کافی آنها را به چالش بکشد. در این صورت است که وفاق عمومی از طریق یک فرایند فراگیر همکارانه شکل می‌گیرد. باید توجه داشت که تضادها هم به اندازه مذاکره و تفاهم مقابل مهم هستند. یک فرایند همکارانه باید به عنوان یک میدان مبارزه به نظر برسد که در آن، فرایندهای انتقاد، اقدامات و شیوه‌های سخن گفتن و برجسته کردن تحریف‌های همکارانه و سوء تفاهم همیشه لازم است. (North, 1999: 6)

در نهایت می‌توان اصول کلی برنامه‌ریزی همکارانه را به صورت زیر عنوان نمود:

۱. همکاری (قدرت مشترک) که در جهانی چندفرهنگی از طریق ایجاد شبکه ای از روابط بین اشخاص با هویت به وجود می‌آید.
۲. تاکید بر اهمیت توجه به دانش فنی و تجربی که از طریق گروه‌های متخصص تامین می‌شود.
۳. توافق بر روی مشکلات، سیاست‌ها و نحوه پیگیری آنها
۴. ایجاد ظرفیت‌های نهادی و سازمانی، نه تنها از طریق تاثیر بر شرکت کنندگان بلکه از طریق ایجاد شبکه ای از روابط اجتماعی بین شرکت کنندگان

۵. ایجاد زمینه ای برای رقابت بین کسانی که قدرت را در دست دارند و به راحتی می توانند دسترسی ها، امور و روش ها و شیوه ها را کنترل کنند. ( Healey, 1997: 263 )
۶. این نوع برنامه ریزی فرض می کند که در فرایند برنامه ریزی افرادی درگیرند که همراه با دیگران در جوامع مختلف و متنوع دارای تجربه گفتمان، گفت و شنود و یا مناظره هستند.
۷. این برنامه ریزی با گفتگوهای مفید و سازنده در جوامع و در بین گروه های درگیر سرو کار دارد
۸. در فرایند برنامه ریزی همکارانه (همکارانه) ممکن است تمام جنبه ها و ابعاد دانستن، درک، قدردانی، تجربه و داوری کردن به کار روند.
۹. مهم ترین موضوع مطرح در این فرایند داشتن ظرفیت انتقادی بین گروه های درگیر و مشارکت کننده است.
۱۰. اصل دیگری در برنامه ریزی همکارانه "اصول اخلاقی میانکنش" است و به معنای گوش دادن و گرامی داشتن صحبت ها و نظرات گروه های مختلف درگیر است.
۱۱. یکی از نقاط مثبت این برنامه ریزی این است که تجربه نشان داده است که اولویت های ثابت افراد و گروه ها ممکن است زمانی که به بیان منافع جمعی خود می پردازند تغییر کند.
۱۲. این برنامه ریزی علاوه بر این که نوعی برنامه ریزی ابتکاری است دارای قابلیت دگرگونی نیز هست یعنی می تواند شرایط عادی و روابط قدرت موجود را توسط انتقاد و گفتگوهای مشارکت کنندگان دگرگون نماید. (دانشپور، ۱۳۹۰: ۴۱۱)

### ۵.۳. فرایند برنامه ریزی همکارانه

فرایند برنامه ریزی همکارانه را می توان به شرح زیر بیان نمود:

- تعیین پیشگامان و ذی نفعان و تعیین عرصه های آنها
- در این مرحله علاوه بر شناسایی منابع و امکانات و بسیج آنها باید گروه های مشارکت کننده تعیین شود، نیاز به همکاری برای گروه ها تشریح شود و سازو کارهای لازم مشخص گردد.
- تعیین حوزه های بحث و گفت و شنود
- تعیین روند کار و روش ها و مدل های بحث و گفت و گو
- انجام گفتمان ها بین گروه های تعیین شده در جهت سیاست سازی
- حفظ اجماع و اتفاق نظر بین گروه ها
- بازبینی گفتمانها

### ۶.۳. ظرفیت سازی

در فرایند برنامه‌ریزی همکارانه مکان سازی نقش فعالی دارد؛ به گونه ای که این مکان راهی تسهیل شده برای ارتباط متقابل ساکنان و مسئولان شهر باشد، مکانی که دربردارنده تمامی سهامداران شهر باشد. ( Healey, 1997: 263)

در واقع مکان سازی یا به عبارت دیگر ظرفیت سازی زمینه برنامه‌ریزی همکارانه است. اغلب موارد دولت می‌تواند این مکان را ایجاد کند به نحوی که تمامی گروه‌های درگیر همان طور که در حل مسائل شهری همکاری دارند در ایجاد و خلق مسائل مختلف نیز دخالت داشته باشند و در واقع حل مسائل مختلف شهری بر عهده عده ای خاص و تنها با راه حل‌های ارائه شده آنان نباشد.

مکان سازی از جنبه‌های گوناگون بسیار اهمیت می‌یابد، برای مثال مردم علاقه دارند بدانند چه زمانی محیط زندگی آنها می‌تواند نیازهای مختلف آنها را برآورده سازد و مشکلات پیچیده زندگی آنها برطرف خواهد شد؟ و فرزندان آنان با چه جهان اجتماعی رو به رو خواهند بود؟ اهمیت روابط و تاثیر گذاشتن اعمال انسانی بر روی آن توجه به مکان را تشویق می‌کند؟ بر پایه این بررسی‌ها تهدیدات محیط بیشتر دیده می‌شود و ارتباط بین عمل محلی و نتایج جهانی معنا می‌یابد.

متأسفانه در جامعه امروزی با نارسایی ظرفیتی مواجه هستیم. مثال‌های زیادی از این کمبودهای ظرفیتی در جوامع مدرن امروزی دیده می‌شود از جمله دلایل این مشکل می‌توان به جهانی شدن، پیشرفت تکنولوژی و پراکندگی جوامع اشاره کرد.

یک نظام حکومتی با ظرفیت می‌تواند به صورت خلاقانه خودش را با تهدیدها و فرصت‌ها وفق دهد، تجربه کند و یاد بگیرد. این دولت بر مبنای روابط متقابل گروه‌های مختلف درگیر و بازیگران شکل گرفته و می‌تواند مشکلات را حل کند و با همکاری همه گروه‌ها تقاضاهای دشوار را پاسخگو باشد.

مهم ترین نکته در بحث ظرفیت یادگیری است. این یادگیری از طریق سازماندهی نتایج فعالیت‌های افراد بدست می‌آید. درک این مسئله که کدام یک از فعالیت‌های آنان موثر است و همچنین یادگیری نحوه ارائه نتایج بدست آمده آنها. برای ایجاد ظرفیت همکارانه باید در چار سطح عمل نمود: درون اعضا، روابط میان اعضا، درون ساختار سازمانی اعضا و درون برنامه‌هایی که افراد را حمایت می‌کنند.

برنامه‌ریزی همکارانه در جایی قابلیت تحقق دارد که روابط اجتماعی بسیار قوی درون آنها جریان داشته باشد، سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی در سطح بالایی باشد و در نهایت مفهوم جامعه مدنی دورن آن وجود داشته باشد و نهادهای اجتماعی آن به طور قوی عمل کند.

امروزه رهبران کشورهای توسعه یافته به این نتیجه رسیده اند که دولت باید با نهادهای عمومی (NGOs) همکاری و تعامل داشته باشند زیرا این نهادها از توانایی‌هایی برخوردار هستند و می‌توانند فعالیت‌هایی را انجام دهند

که دولت قادر به انجام آن نیست، همچنین در این حالت دولت از حالت متمرکز خارج شده و گسترش می‌یابد. (دهقان، ۱۳۸۷: ۴۳)

### ۷.۳. برنامه‌ریزی همکارانه راهی برای هماهنگی

پس از شناخت ماهیت گروه‌ها و سازمانهایی که به شهرهای امروزی شکل داده و به آنها به گونه ای انسجام بخشیده اند به این مسئله پی برده ایم که باید بین این سازمانها و نهادها هماهنگی برقرار شود. اما این هماهنگی چگونه می‌تواند برقرار شود؟ یکی از راه حل‌های پاسخ به این مسئله برنامه‌ریزی همکارانه است. برنامه‌ریزی همکارانه از روش‌های مختلفی می‌تواند این هماهنگی را ایجاد کند به شرح زیر:

۱. از طریق تقویت نهادها و گروه‌های اجتماعی مختلف
۲. اطلاع رسانی درست و به موقع مردم و بررسی عملکردها و نظرات / آنها را در پروژه‌های مورد نظر
۳. تقویت مشارکت افراد و گروهها
۴. جلوگیری از انجام رفتارهای انحرافی افراد
۵. ایجاد مدبرانه و هماهنگ سازمان‌های کنترل کننده در سطوح بالاتر
۶. فرهنگ سازی و استفاده از خاطرات جمعی برای افزایش همبستگی (همان)

### ۴. تفاوت‌های نظری و عملی

نظریه برنامه‌ریزی همکارانه در تلاش‌هایش برای نجات برنامه‌ریزی با سختی‌هایی برخورد کرده است. علیرغم نظریه‌برماس، (که بر نظریه‌های انتقادی تاکید می‌کرد)، اخیراً نظریه پردازان همکارانه از انتقاد (روش انتقادی) دور شده و یک دستورالعمل برای عمل ارائه می‌کنند، و البته تفکرشان در دوره خودش شکست می‌خورد. هابرماس بیشتر بر کلام تاکید می‌کند که ابهام را از بین می‌برد و از آن به عنوان کلام آرمانی یاد می‌کند. اما زمانی که در عوض، کلام آرمانی هدف خرد برنامه‌ریزی شود بیشتر به مباحث اخلاقی پرداخته و به نظر می‌رسد که در آن ناسازگاری‌های اقتصادی و اجتماعی در نظر گرفته نشود. پیش فرضی وجود دارد مبنی بر این که در صورتی که مردم منطقی باشند، ناسازگاری عمیق ساختاری<sup>۱</sup> ناپدید خواهد شد. گرچه مسلماً بسیاری از مخالفت‌ها می‌تواند از طریق مذاکره اصلاح شود.

نظریه پردازان همکارانه، نقش برنامه ریز را به عنوان عنصر مرکزی<sup>۲</sup> بحث مطرح می‌کنند. در این نظریه نقطه تمرکز عموم بر روی برنامه ریز است. به جای پرسیدن در مورد این که چه چیزی در مورد شهرها و مناطق انجام می‌شود، برنامه ریزان همکارانه مشخصاً سوال می‌کنند که برنامه ریزان چه چیز باید انجام دهند، و جواب این است که آنها باید خوب باشند (یعنی، گفتن راستی، خودبین نبودن در مورد داوری خودشان).

<sup>۱</sup> deep structural conflict  
<sup>۲</sup> central element

برنامه ریزان باید معمولا درباره آینده‌های مطلوب و امکان پذیر بحث کنند، از لحاظ سیاسی و عملی (عملی)،... آنها (آینده) ممکن است راستگو<sup>۱</sup> باشند اما مورد شک واقع شوند (کم باور)، دقیق اما افتخار نشدنی<sup>۲</sup> باشند، اطمینان بخش<sup>۳</sup> ولی ناراضی<sup>۴</sup> باشند. هرکجا که قصد کمک دارند، ممکن است در عوض، ایجاد وابستگی کنند و جایی که می‌خواهند حسن نیت شان را نشان دهند، ممکن است انتظاراتشان را به صورت غیر واقعی بالا ببرند و پیامدهای فاجعه انگیزی<sup>۵</sup> به دنبال داشته باشد. ( Fanstein, 2000: 8 )

اما چاره این مشکلات دشوار است. جایی که برنامه ریزان ماهیت عملی و همکارانه فعالیت‌هایشان را تشخیص دهند، می‌توانند راهبردهایی برای جلوگیری از این مشکلات و بهبود کاربست شان به همان خوبی تدبیر کنند. در حال حاضر، تمایل نظریه پردازان برنامه‌ریزی همکارانه جلوگیری کردن از آزمون‌های گسترده‌ی رابطه بین برنامه‌ریزی، سیاست و توسعه شهری است. اکثر کارهای اخیر در نظریه برنامه‌ریزی به آزمون نمودن معنای گفت و گوی برنامه ریزان با توسعه دهندگان و افراد رسمی شهر، اسناد برنامه‌ریزی و گوش دادن به داستان‌های برنامه ریزان اختصاص یافته است.

چالشی که ما با آن روبرو هستیم، و برنامه ریزان و تحلیل گران سیاسی بسیار بیشتر با آن مواجه اند عبارت است از ... گوش دادن با دقت به داستان‌های کاربستی [یعنی داستان‌های برنامه‌ریزی در حین عمل و (کاربست)] و فهمیدن این که چه کسی در حال تلاش برای چه چیزی است، چرا، و چگونه، در چه موقعیتی و در تمام این‌ها چه چیزهایی اصلی هستند؟

نظریه همکارانه، علاوه بر پرسشهایی در مورد روش، به نکته‌های بنیادی از نظریه چندگانه باوری<sup>۶</sup> نیز برخورد کرده است. نظریه پردازان همکارانه از به کار بردن عناوین کلاسیک<sup>۷</sup> از آنچه انجام می‌دهند جلوگیری می‌کنند. آنها همچنین امکان پذیر بودن این که شیوه‌های پدرسالاری<sup>۸</sup> و بوروکراتیک<sup>۹</sup> از تصمیم سازی ممکن است برآمدهای ناخوشایند ایجاد کند؛ را در نظر نمی‌گیرند.

شکاف نظری در نظریه همکارانه، خود را در عمل نشان می‌دهد. بررسی دقیق تلاش‌ها برای پایه گذاری برنامه‌ریزی بر گفت و شنود نشان دهنده مشکلات جدی در اجرا و غلبه مستمر قدرتمند در حال حاضر است. دومین مشکل عملی در برنامه‌ریزی همکارانه، زمان طولانی مورد نیاز برای این چنین فرآیندهای مشارکتی است، که منجر به خستگی شهروندان مشارکت کننده و ناامید شدن از این که به نظر نمی‌رسد که هیچ چیز به انجام رسیده باشد؛ می‌شود.

<sup>1</sup> sincere  
<sup>2</sup> unappreciated  
<sup>3</sup> reassuring  
<sup>4</sup> resented  
<sup>5</sup> disastrous consequence  
<sup>6</sup> pluralist theory  
<sup>7</sup> classic topic  
<sup>8</sup> paternalism  
<sup>9</sup> bureaucratic

نکته سوم منتج از سختی‌های پیچیده در تنظیم گزینه‌ها در زمانی است که برنامه ریزان محیط دستورکار را رها می‌کنند.

سرانجام، ناسازگاری که بین اهداف برنامه‌ریزی همکارانه و برآمدهای فرآیندهای برنامه‌ریزی مشارکتی وجود دارد؛ چنانچه نظریه پردازان همکارانه به تساوی حقوق و تنوع متعهد شدند، اما احتمال کمی وجود دارد که برآمد مشارکت ذی نفعان در شهرداری‌های نسبتاً کوچک این چنین شود. سازمان دهی برنامه‌ریزی در سراسر یک عرصه بزرگ شهری برای در بر گرفتن طبقات، نژادها و قوم‌های متنوع نیازمند گسترش فرآیند از طریق قلمروهای قدرت چندگانه سیاسی برای رهایی از همگنی تحمیل شده توسط جدایی فضایی است. موانع وارد کردن شهروندان در برنامه‌ریزی گسترده بزرگ شهری عظیم است؛ و انجام آن به معنای قربانی کردن آگاهی‌های محلی است که برای برنامه‌ریزی مشارکتی واحد همسایگی عقلانی است.

شکست‌های برنامه‌ریزی در طی دوران موفقیت پروگرام‌های نوگردانی شهری گسترده، ثابت کننده بسیاری از مخالفت‌ها در برنامه‌ریزی از بالا به پایین و کارشناس محور و و ایجاد تغییر همکارانه مطلوب در برنامه‌ریزی است. (همان)

#### ۵. انتقاد بر نظریه برنامه‌ریزی همکارانه:

عده ای از منتقدان معتقدند که برنامه‌ریزی همکارانه ارتباط بین افراد، نهادها و جامعه را در نظر نگرفته است و به جای توجه به روابط، اعمال افراد را مورد توجه قرار داده است.

همچنین دسته دیگری از منتقدان معتقدند که برنامه‌ریزی همکارانه به جای مطرح کردن این پرسش که درباره شهرها و مناطق چه باید کرد به این پرسش می‌پردازند که برنامه ریزان شهری چه کاری باید انجام دهند و در واقع برنامه ریزان شهری را بی طرف می‌دانند.

انتقاد دیگر این است که این نظریه بیش از حد بر جای گزینی مباحث اخلاقی به جای تحلیل تاکید می‌ورزد و البته از نیروهای اجتماعی و اقتصادی که ممکن است موجب تضاد و درگیری و کشمکش شوند غافل است.

همچنین این گونه برنامه‌ریزی فرایندهای برنامه‌ریزی را مورد توجه قرار می‌دهد اما به نتایج آن کمتر توجه می‌کند.

#### ۶. زمینه‌های ظهور برنامه‌ریزی همکارانه

وجود نابرابری‌های اجتماعی و فضایی و شکست سازو کار اقتصادی و نیروهای بازار و همچنین ناکامی شیوه‌های رایج برنامه‌ریزی در گشودن مشکلات شهری باعث شد تا برای اولین بار در دهه ۱۹۶۰ میلادی این طرز تفکر که حرفه مندان بر اساس منافع عامه عمل می‌کنند مورد چالش واقع شود و به دنبال آن نارضایتی‌های بسیار گسترده ای به علت روش‌های توزیع منافع به وجود آمد. در واقع منتقدان بر این باور بودند که توجه برنامه ریزان به ابعاد کالبدی صرف موجب شده است تا جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی در نظر گرفته نشود و در حق گروه گسترده ای از افراد جامعه اهمال گردد. لذا تلاش برای یافتن رهیافتی نوین در برنامه‌ریزی آغاز شد.

در سال ۱۹۶۶، گودچاک و میلز<sup>۱</sup> از رهیافت همکارانه برای برنامه‌ریزی حمایت کردند و اظهار کردند که برنامه‌ریزی موثر و مفید باید بر اساس یک جریان همکارانه دو طرفه بین مردم و سازمان برنامه‌ریزی باشد. به طور مشابه آرنشتاین<sup>۲</sup> در سال ۱۹۶۹ نقشی اساسی تر را برای مردم در فرایند تصمیم‌گیری برنامه‌ریزی مطرح می‌کند. با وجود این که تا کنون بسیاری از اصطلاحات و مفاهیم تغییر یافته است اما مضمون اصلی همه آنها "برنامه‌ریزی به عنوان یک فرایند همکارانه" بوده است. در طول چند دهه گذشته، تاکید بیشتری بر ماهیت همکارانه و تعاملی عمل برنامه‌ریزی شده است. اصطلاحاتی نظیر برنامه‌ریزی انتقادی (فریدمن ۱۹۷۳)، برنامه‌ریزی همکارانه<sup>۳</sup> (فراستر ۱۹۸۹، ۱۹۸۹، هیلی ۱۹۹۲، اینز ۱۹۹۶)، مدل گفتمان برنامه‌ریزی<sup>۴</sup> (تیلور ۱۹۹۸) و در نهایت برنامه‌ریزی همکارانه (هیلی و هیلی و دیگران) همگی بر رویکرد تعاملی برنامه‌ریزی تاکید می‌کنند. (Margeru, 2002: 8)

در زیر به توضیح مختصری از برخی رهیافت‌های موجود در سیر نظری مطرح شدن برنامه‌ریزی همکارانه می‌پردازیم:

### ۱.۶. برنامه‌ریزی مشارکتی

مشارکت مردمی را انگاشتی سیاسی دانسته اند که در آن همه افراد و گروه‌ها، سازمانها و جوامع در فرایند برنامه‌ریزی درگیر هستند به گونه ای که امکان تاثیر گرفتن از برایندهای آن فرایند را داشته باشند. مشارکت مردمی به معنای میانکش مستقیم در زمینه توسعه، بازبینی و اختیار برنامه‌ها و و پیشنهاد بین برنامه ریزان و جوامع رسمی از یکسو و افراد و گروه‌های متأثر از آن برنامه‌ها از سوی دیگر است. مشارکت در برنامه‌ریزی تنها یک فرایند کمکی نیست بلکه اگر کارآمد باشد می‌تواند ماهیت و روح عمل برنامه‌ریزی را به صورت کامل دگرگون کند. (دانشپور، ۱۳۹۰: ۷۹)

در خلال دهه ۱۹۶۰ میلادی بحران‌های ناشی از برنامه‌ریزی سنتی، برنامه ریزان را متقاعد کرد که از برنامه‌ریزی بالا به پایین به برنامه‌ریزی مشارکتی روی آورند. در این نوع برنامه‌ریزی تاکید بر نقش اجتماعات محلی و مشارکت مردم در تصمیم‌گیری و مدیریت در زمینه توسعه، عمران و خدمات شهری است. در واقع برنامه‌ریزی مشارکتی، الگویی از برنامه‌ریزی شهری است که تاکید بر درگیر کردن تمامی اجتماع در فرایندهای برنامه‌ریزی شهری دارد.

#### ۱.۱.۶. اصول برنامه‌ریزی مشارکتی:

- جامعه متکثر
- وجود تضادهای مشروع میان منافع افراد جامعه
- عدم تحمیل نظر گروهی، بر سایر افراد جامعه
- تبادل اطلاعات میان گروه‌ها و کاهش تعارضات

<sup>1</sup> Godschalk and Mills

<sup>2</sup> Arnstein

<sup>3</sup> communicative planning

<sup>4</sup> the Discourse Model of Planning

<sup>5</sup> Taylor

- عدم کنارگذاری گروه یا فردی در جریان دستیابی به توافق

جدول شماره ۱: روابط موجود در برنامه‌ریزی مشارکتی

نوع مشارکت	برنامه‌ریزی مشارکتی
روابط بین شورا و عموم مردم	شورا باید در جریان تهیه طرح، با اجتماعات کوچک محلی زیادی ارتباط برقرار کند. بین گروه‌های ذی نفع میانجی‌گری صورت گیرد.
برنامه‌ها	بهره‌وران، نیازها و اولویت‌های خود را می‌شناسند، برنامه ریزان نیازمند شنیدن نظرات آنها هستند نه این که از قبل بر این تصور باشند که به علت برنامه ریز بودن، نیازهای دیگران را می‌دانند.
مهارت‌ها	مهارت در برقراری ارتباط با گروه‌های متنوع، گوش فرا دادن به بیان آنها از نیازها و اولویت‌هایشان. بیان مقایسه روشن و منظم نیازها و اولویت‌های گروه‌های مختلف ذینفع در برنامه، برقراری هماهنگی از طریق مذاکره و شناخت طرفین، جلب اعتماد گروه‌های مختلف
رهبری با کیست؟	میانجی‌گران بی طرف یا برنامه ریزان، هدایت جریان را بر عهده دارند، اما بسیاری طرف‌ها نیز در این بین نقش دارند. همچنین برنامه ریزانی که توسط شورا استخدام شده اند نیز در این جریان موثرند.

#### ۲.۱.۶. بررسی اجمالی تئوری‌های موجود درباره برنامه‌ریزی مشارکتی:

نظریه‌های متعددی در زمینه برنامه‌ریزی مشارکتی از نیمه دوم دهه ۱۹۶۱ به این سو، مطرح گردیده است. که بر وجود رابطه متقابل نهادهای دولتی، نهادهای عمومی و محلی تاکید می‌کنند. (کلپادی، ۱۳۸۷: ۱۶)

#### • گردونه مشارکت:

یکی از نظریات مطرح در این خصوص گردونه مشارکت اسکات دیویدسون است که در سال ۱۹۹۸ آن را طراحی کرده است. این گردونه، سطوح مختلفی از مشارکت را بدون این که ترجیحی برای هیچ یک قایل شودع ارائه می‌کند. در این مدل تصمیم‌گیری در تعاملی مستمر بین دولت و شهروندان صورت می‌گیرد. او سطوح چهارگانه‌ای برای مشارکت، در نظر دارد که عبارتند از:

۱. اطلاع‌رسانی
۲. مشاوره
۳. مشارکت
۴. توانمندسازی

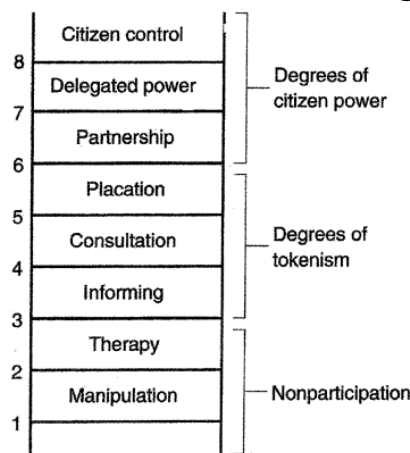


## گردونه مشارکت دیویدسون [۱۰]



• مدل نردبان مشارکت:

"شری اشتاین" مشارکت را فرایند سهیم شدن مردم در قدرت جهت تاثیرگذاری بر رفتار دولت می‌داند. از نظر وی مشارکت توزیع مجدد قدرت است که در سطوح مختلف اتفاق می‌افتد. آرنشتاین هشت سطح مشارکت شهروندان را بر روی نردبانی موسوم به "نردبان مشارکت آرنشتاین" از یکدیگر تفکیک می‌کند و به نمایش می‌گذارد. پله‌های نردبان آرنشتاین، از این بخش‌ها تشکیل شده است: ۱. کنترل شهروندی ۲. قدرت تفویض شده ۳. شراکت ۴. تسکین بخشیدن ۵. مشاوره ۶. اطلاع رسانی ۷. درمان ۸. دستکاری و ظاهر فریبی



## نردبان مشارکت آرنشتاین

در پایین ترین سطح نردبان آرنشتاین، هیچ قدرتی برای شهروندان متصور نیست؛ به عبارت دیگر عدم مشارکت در دو رده خود را نشان می‌دهد که وی آنها را ظاهر فریبی و درمان می‌نامد. بر اساس نظر آرنشتاین، بعضی از سازمانهای دولتی، شکل‌های ساختگی از مشارکت را تدارک دیده اند که هدف واقعی آنها، آموزش شهروندان برای قبول کارهایی است که از قبل تکلیفش روشن شده است. در پلکان بعدی، نزدیک به پایین نردبان، شکل دیگری از عدم مشارکت معرفی می‌شود که درمان نام گرفته است. این نوع عدم مشارکت، هم غیر صادقانه و هم خودخواهانه

است. در اینجا هدف پیدا کردن راه و چاره ای برای دیدگاه‌های و رفتارهایی است که یک موسسه خودش با آنها موافق نیست، اما در زیر سرپوش نظر خواهی از شهروندان چنین چیزی را اعلام می‌کند. پله‌های دیگر این نردبان که به عنوان یک قدم اولیه مفید، توجیه شدنی است، اطلاع رسانی و مشاوره است. آگاه کردن شهروندان از حقایق موجود در مورد برنامه‌های حکومت و حقوق و مسئولیت‌های آنان و راهکارهای موجود، به خصوص اگر طوری طراحی شده باشد که جریان اطلاعات یکسویه نباشد، گامی مثبت در جهت حرکت به سوی جلب مشارکت شهروندان به شمار می‌آید. (ثبوتی، ۱۳۸۵: ۲۱)

### ۳.۱.۶. نقش حکومت محلی و سازمانهای غیر دولتی و نهادهای مردمی:

عوامل و شرایطی که در اواخر ۱۹۶۶ میلادی منجر به شکل‌گیری جنبش‌های مشارکت مردمی در برنامه‌ریزی گردید، موجب توجه به سطح محلی شامل "مراجع محلی" و نیز "اجتماعات محلی" و نیز معرفی پروژه‌هایی با نام "پروژه‌های توسعه اجتماعات" در کشورهای مختلف شد. این مهم نشان دهنده درک دولت‌ها از این حقیقت بود که از جامعه باید آموخت و از لزوم دگرگونی نگاه به جامعه در فرایند تصمیم‌گیری باید بهره جست. بر خلاف نظام‌های متمرکز که کلیه اختیارات مهم برنامه‌ریزی توسعه و مدیریت شهری در دست دولت مرکزی است و به شکل سلسله مراتبی عمل می‌کند، در یک نظام غیرمتمرکز کلیه و یا پاره ای از اختیارات دولت مرکزی در خصوص مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه شهری به حکومت محلی که از سوی مردم انتخاب می‌شود، واگذار می‌گردد.

وجود برخی سازمانها و انجمن‌های تعریف شده مدیریتی در مقیاس محله و تبیین جایگاه درست هر یک از آنها نسبت به سازمانهای دولتی، مشارکت و حضور مردم را در عرصه‌های عمومی تسهیل می‌سازد و در از میان برداشتن موانع این مسیر بسیار کارآمد است. مشارکت واقعی، آگاهانه و موثر مردم در اداره محل سکونتشان در سایه وجود و حضور جدی گروه‌ها و نهادها و سازمانهای جامعه مدنی میسر است. سازمانهایی که شهروندان را نسبت به حقوق، وظایف و تعهدانشان در برابر محلی که در آن زندگی می‌کنند و نسبت به توانایی آنها در کنترل و اداره محیط اطرافشان آگاه سازند و نیز به عنوان میانجی با کمک بسیج نیروهای مردمی، از حقوق شهروندان به ویژه اقشار آسیب پذیر و محروم در برابر تغییر وضع محیط زیستشان دفاع کنند و برای آنان حمایت مالی، فنی و مشاوره ای فراهم نمایند. (همان)

### ۲.۶. برنامه‌ریزی و کالتی

با توجه به دید یک جانبه نگر (دید کالبدی) برنامه‌ریزی شهری به نیازهای رایج انسان و مشکلاتی که به دنبال آن به وجود آمد نیاز به وارد کردن جنبه اجتماعی به برنامه‌ریزی احساس شد تا بتواند به صورت کارآمد تر نسبت به مسائل و مشکلات شهری پاسخگو باشد. لذا برنامه‌ریزی و کالتی به عنوان گونه نوینی از برنامه‌ریزی اجتماعی که باید با به کارگیری آن متخصصان به کرا مستقیم با گروه‌های محروم می‌پرداختند، مطرح شد.

این نوع برنامه‌ریزی واکنشی در برابر ارزش‌های مرکز گرا و تکنو کراتیک آن شیوه‌های رایج برنامه‌ریزی است که در میانه دهه ۱۹۹۰ میلادی در کشورهای بیشتر توسعه یافته چیره بودند یعنی انواع گوناگون رهیافتهای مبتنی بر جامعیت و یا برنامه‌ریزی جامع.

رهیافت برنامه‌ریزی وکالتی که در چارچوب تفکر چندگانه باور قرار دارد و اصولی چون خودیاری، عمل تعهد شده و تمرکز زدایی را مطرح می‌کند، برخی در شمار رهیافتهای برنامه‌ریزی جزء نگر به شمار آورده اند. (دانشپور، ۱۳۹۰: ۹۶)

### ۱.۲.۶. پیشینه و نقش برنامه‌ریزی وکالتی:

برنامه‌ریزی وکالتی که نخستین بار در دهه ۱۹۶۰ میلادی در ایالت متحده آمریکا توسط پل دیویدف<sup>۱</sup>، همچون بخشی از راهبرد ملی اصلاحات اجتماعی شکل گرفت، با وجود برخی ویژگی‌های آمریکایی خود (یعنی شبیه سازی یک مدل از برنامه‌ریزی با سیستم حقوقی ایالت متحده آمریکا که در آن نقش در نظر گرفته شده برای برنامه ریزانمشابه با نقش یک وکیل است) در تفکر و عمل برنامه‌ریزی در سایر کشورها، به ویژه بریتانیا، نیز اثرات زیادی وارد آورد. در این رهیافت برنامه‌ریزی نقش وکیل، مدافع و سخنگوی افراد فقیر، افراد ساکن در نواحی محروم درون - شهری و یا به صورت کلی افراد یا گروه‌هایی را بازی می‌کند که به مراکز تصمیم گیری در جامعه دسترسی کافی ندارند.

برنامه ریز در نقش وکیل و مدافع افراد و گروه‌های محروم، تخصصی را که جامعه برای رساندن آوای خود به گوش تصمیم گیرندگان بخش عمومی‌نیاز دارد، در اختیار آنها قرار می‌دهد. این نقش در ایالت متحده آمریکا در بسیاری از "پروگرام‌های ستیز با فقر" دهه ۱۹۶۰ میلادی هم چون "پروگرام‌های عمل (در سطح) اجتماعات"، شهرهای نمونه و کارهایی که پس از آن به صورت کوشش‌هایی در برنامه‌ریزی (در سطح) اجتماعات یا به بیانی دیگر نواحی خرد شهری و افراد ساکن در آنها و فعالیت‌های مربوط به محیط زیست، نهادینه شد، نمود یافت. این دیدگاه خواستار برابری اجتماعی و سیاسی برای گروه‌های محروم جامعه و ایجاد پایه ای برای جامعه ای که بتواند فرصت‌هایی برابر برای همه اعضا ارائه کند، است. این گونه خواسته‌ها را پیروان برنامه‌ریزی وکالتی مدیون برقراری یک سیستم برنامه‌ریزی هوشمند، تعیین اهداف اجتماعی جدید و تامین ابزار لازم برای دستیابی به آنها می‌دانند. آنها دورنمای برنامه‌ریزی را عملی که به صورت گشوده و شفاف ارزش‌های سیاسی و اجتماعی را به آزمون و گفت و گو دعوت کند، در نظر می‌آورند. البته پذیرش چنین جایگاهی برای برنامه ریز و انکار تجویزهای برنامه‌ریزی، تبدیل نمودن برنامه ریز به یک فن کار است. (Davidoff, 1973: 56)

با توجه به نقشی که برنامه‌ریزی وکالتی برای برنامه‌ریزی، به عنوان وکیل جامعه مورد برنامه‌ریزی قائل است، می‌توان ویژگی‌های آن را در زیر چنین بیان کرد:

الف: تاکید بر آموزش جامعه مورد برنامه‌ریزی

<sup>1</sup> Paul Davidoff

که فعالیت اصلی برنامه ریز وکالتی در زمینه آموزشی است.

ب: تاکید بر برنامه‌ریزی شهری چندگانه:

پیروان برنامه‌ریزی وکالتی در مورد محور بودن نقش یک نهاد در تهیه برنامه‌های شهری، از برنامه‌ریزی شهری که به صورت چند گانه تهیه شود حمایت کردند که دلایل آن عبارتند از:

- گفت وگوهای سیاسی که در فرایند تهیه برنامه ریز جدا از جامعه مورد برنامه‌ریزی نیستند نقش مهمی در بالا بردن سطح عقلانیت در فرایند تهیه برنامه دارند.
- تولید برنامه در جایی بیرون از ساختار حکومتی می‌تواند منجر به اطلاع رسانی بهتر به مردم و جامعه مورد برنامه‌ریزی و جلب مشارکت آنان گردد.
- احتمال موفقیت برنامه‌های چندگانه بیشتر است.

ج: رهیافتی در برگیرنده منافع عام:

این برنامه‌ریزی برای به رسیدن به آرمان دستیابی به فرصت‌های برابر برای افراد جامعه از شیوه‌های هوشمند برنامه‌ریزی استفاده می‌کند. همچنین این نوع برنامه‌ریزی نه فقط از منافع بخش عمومی بلکه از منافع سایر گروه‌ها، سازمانها، نهادها نیز حمایت می‌کند. (همان)

### ۳.۶. رهیافت یاری در برنامه‌ریزی

هدف از رهیافت یاری (یا توانمند سازی) در برنامه‌ریزی، مشارکت دادن مردم در فرایند برنامه ریزی و یاری رساندن به مردم و یا توانمند ساختن آنها در مشارکت در تصمیم گیری‌ها و در فرایند برنامه‌ریزی و در آخر تحت تاثیر قرار دادن آن فرایند است. بنابراین یاری در برنامه‌ریزی همراه و همگام با برنامه‌ریزی وکالتی، در پی افزایش توان سیاسی آن افراد و گروههایی از جامعه است که در محرومیت و تبعیض به سر می‌برند.

هدف جستجوی سازوکاری مناسب برای به حرکت در آوردن این گونه افراد و گروه‌ها در مسیر اعمال سیاسی است.

در عمل توانمندسازی مردم در رهیافت یاری در برنامه‌ریزی خدمات یاری در برنامه‌ریزی برای ارائه مشورت، اطلاعات، آموزش و ظرفیت سازی برای کمک به افراد و گروههایی که بدون آن نمی‌توانند در فرایندهای برنامه‌ریزی دخالت کنند ایجاد شده است.

### ۷. نتیجه گیری:

برنامه‌ریزی همکارانه نوعی از برنامه‌ریزی است که از طریق به کارگیری تمام منابع موجود در جامعه و مهارت‌های شرکت کنندگان در جهت تشخیص درست مسائل و مشکلات و هم چنین دستیابی به اهداف تلاش می‌کند. اصل برنامه‌ریزی یک امر همکارانه و از طریق همکاری است لذا نمی‌تواند فقط از طریق تسلط به فنون و ابزار فنی توسط برنامه ریزان موفق باشد و "نیازمند حضور همه گروه‌های ذی نفع و نه فقط فن سالاران در تمام فرایند برنامه‌ریزی است". برای تحقق این هدف برنامه ریزان باید علاوه بر فنون متداول برنامه‌ریزی شهری روش‌های

---

همکارانه را نیز فراگیرند. گروه‌های ذی نفع نیز نیازمند دانش همکارانه بوده و برای ورود به عرصه برنامه‌ریزی همکارانه نیازمند آگاهی‌های عمومی در زمینه‌های شناخت مسائل و مشکلات، طبقه‌بندی موضوعات و اولویت بندی آنها و هم چنین تعامل با سایر گروه‌ها هستند. در این میان ارزش‌ها و احساسات نیز از اهمیت خاصی برخوردار بوده و به همراه استدلالات فنی برنامه ریزان مورد استفاده قرار می‌گیرد. ارتباط مردم و گروه‌های ذی نفع و برنامه ریزان دارای چارچوب خاصی بوده و نیازمند داشتن آگاهی‌های عمومی است، لذا از طریق داشتن این ارتباط آگاهانه است که مشارکت و گفت و گو معنادار شده و در واقع منجر به کاربردی شدن برنامه‌ریزی همکارانه می‌گردد. رعایت اصل ارتباط و همکاری باعث ورود همه گروه‌های ذی نفع و مرتبط با برنامه شده و یک برنامه‌ریزی به معنای واقعی همکارانه را سبب می‌گردد.

## ۸. منابع:

۱. ثبوتی، ه، ۱۳۸۵، شهرسازی مشارکتی، مفاهیم و راهکارها، جستارهای شهرسازی، شماره ۳۰
۲. دانشپور، ز، ۱۳۹۰، درآمدی بر نظریه‌های برنامه‌ریزی با تاکید ویژه بر برنامه‌ریزی شهری، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ دوم
۳. دهقان، ع، ۱۳۸۷، برنامه‌ریزی همکارانه راهی به سوی یکپارچگی، ماهنامه دانش نما، شماره ۴-۱۶۳
۴. کلیادی، پ، ۱۳۸۷، برنامه‌ریزی مشارکتی، بافت‌های فرسوده، جستارهای شهرسازی، شماره ۳۳
۵. نظام بهرامی، ک، ۱۳۸۱، گفت و گو در اندیشه یورگن هابرماس، فصلنامه مطالعات ملی، سال چهارم، شماره

۱۳

6. Brand, Ralf, (2007), **“Collaborative planning in uncollaborative world”**, Journal of planning theory, Vol 6(3): 282–313
7. Davidoff, Paul, (1973), **Advocacy and pluralism in planning**, Journal of Planning Education and Research
8. Fainstein, Susan, (2000), **“NEW DIRECTIONS IN PLANNING THEORY”**, Journal of urban affairs, 35: 451
9. Healey, Patsy, (1997), **“collaborative planning, shaping places in fragmented societies”**, McMillian Press LTD
10. Healey, Patsy, (2003), **“Collaborative planning in perspective”**, Journal of planning theory, Vol 2(2): 101–123
11. Margerum, Richard, (2002), **“Collaborative Planning Building Consensus and Building a Distinct Model for Practice”**, Journal of Planning Education and Research, 21: 237
12. North, Peter, (1999), **“Is There Space for Organisation from Below within the UK Government’s Action Zones? A Test of ‘Collaborative Planning’**, Journal of Urban Studies, 37: 1261

# SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

تازه ترین

بررسی مقاله ای متون (مقدماتی)

کارگاه آنلاین  
بررسی مقابله ای متون (مقدماتی)

PROPOSAL  
پروپوزال

تازه ترین

پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

کارگاه آنلاین  
پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

تازه ترین

آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو

کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو